

تشیع در آمریکای امروز

جامعه ی شیعیان آمریکا را در وهله ی نخست می توان به دو گروه بزرگ تقسیم کرد: گروه اول، شیعیان مهاجری هستند که حدود صد و هشتاد سال پیش، از کشورهای مسلمان به آمریکا مهاجرت کردند. گروه دوم، آمریکایی هایی هستند که به علت های گوناگون، از جمله، تبلیغات صوفی ها مسلمان می شوند.

گروه اول: شیعیان مهاجر

نخستین گروه شیعیان مهاجر، از حدود صد و هشتاد سال پیش، از لبنان و سوریه به آمریکا مهاجرت کردند و در شهرهای دیترویت میشیگان و راس و داکوتای شمالی ساکن شدند. این مهاجرت بین سال های 1824 تا 1878 صورت پذیرفته است. در سال 1924، دولت آمریکا قانونی را تحت عنوان ((قانون منع ورود آسیایی ها)) (Asian Exclusion Act)، که به نوعی مفهوم نژادپرستی را نیز دربرداشت، وضع کرد و با تمسک به آن، از ورود آسیایی هایی که از نظر آنان رنگین پوست محسوب می شدند و از نظر فرهنگ و رفتار، با سفید پوستان اروپایی تبار آمریکا متفاوت بودند، ممانعت کرد. پس از جنگ جهانی دوم، این قانون تعدیل شد و آسیایی ها، و از جمله مسلمانان و شیعیان، توانستند به آمریکا مهاجرت کنند. اینک بزرگ ترین جمعیت شیعی در آمریکا در شهر دیترویت میشیگان، با سیصد هزار آمریکایی عرب تبار، ساکن است. در جنوب شرقی این شهر، یکی از بزرگترین مساجد آمریکا، یعنی مرکز اسلامی دیترویت، در سال 1920 میلادی ساخته شد. این مرکز، نزدیک کارخانه ی ماشین سازی فورد آمریکا ساخته شده است؛ زیرا بیشترین مهاجران عرب، در بدو ورود به آمریکا در آن کارخانه مشغول به کار شدند.

گفتنی است که شیعیان مهاجر، تنها عرب تبار نیستند، بلکه ایرانی ها، پاکستانی ها و دیگر ملیت های غیر عرب نیز در میان آنان وجود دارند. به صورت کلی، نکته ی مهم درباره ی شیعیان مهاجر، آن است که این گروه، غالباً فعالیت سیاسی ندارند و بیشتر مایل هستند خود را با فرهنگ و آداب آمریکا تطبیق دهند. آنان می خواهند مانند آمریکایی ها زندگی کنند و آمریکا را نه برای تبلیغات دینی، بلکه صرفاً برای کسب معاش و به عنوان محلی مناسب برای زندگی انتخاب کرده اند، هر چند نیازهای مربوط به دینشان، از جمله مراسم ازدواج، طلاق و تدفین مردگان، آنان را به سوی مراکز اسلامی می کشاند. معمولاً این گونه مراکز اسلامی، محلی برای تجمع هم ولایتی ها، تدریس و یادگیری زبان مادری و... می باشند.

اما گاه مراکزی به چشم می خورند که محلی برای تجمع مسلمانان، بدون توجه به قومیت و ملیت، می باشند؛ مانند مرکز اسلامی آیت الله خویی در نیویورک، که معمولاً ایرانی ها، عراقی ها، لبنانی ها، خوجه های پاکستانی و آمریکایی ها در مراسم آن شرکت می کنند و یا مرکز امام علی علیه السلام، در نیویورک، که هرچند بیشتر فعالان آن ایرانی هستند، ملیت های دیگر نیز به آنجا رفت

و آمد می- کنند.

غیر از مراکزی که مدیریت آنها با اشخاص روحانی است، مراکزی نیز وجود دارند که اداره ی آنها با اشخاصی است که هیچ سنخیتی با اسلام و شیعه ندارند، بلکه ضد علمای اسلام و از لحاظ سیاسی، ضد دولت ایران هستند. معمولاً سرپرستی این گونه مراکز، با پزشک یا مهندس فعالی است که خود پیش نماز هم می شود، بدون آنکه اطلاعی از اسلام و فقه داشته باشد. این گونه مراکز، از نظر سیاسی، کاملاً لیبرال هستند. خانم ها از نظر حجاب، در این مراکز (و فقط در محدوده این مراکز) به یک روسری اکتفا می کنند و حتی در برخی موارد، پیش نمازی را هم برعهده می گیرند. صدها گروه شیعی دیگر نیز در آمریکا وجود دارند؛ از جمله، گروه ((انصار الله)) که گروهی است با اعضای سیاه پوست از مهاجران سودانی و آمریکایی و دارای اعتقادات عجیب و غریب. رهبر این گروه، سودانی است و معتقد است پیامبر اسلام و همه ی ائمه علیهم السلام سیاه پوست بوده اند و اعراب نژادپرست، ابوبکر را که سرخ پوست بود، به دلیل رنگ پوستش، بر حضرت علی علیه السلام ترجیح دادند.

گروه دوم : آمریکایی های شیعه

گروه دوم، آمریکایی های سیاه پوست و سفید پوستی هستند که از راه های گوناگون، از جمله با تبلیغات تصوف، شیعه شده اند. تصوف در آمریکا بیشتر از طریق فرقه ی نعمت الهی و فرقه ی شیخ فضل الله حائری عراقی تبلیغ می شود. پیروان و مریدان دکتر نوربخش خانقاه های متعددی در شهرهای آمریکا و اروپا ایجاد کرده اند و به طور کلی، برخلاف مریدان شیخ فضل الله به انجام احکام ظاهری دین تقیدی ندارند. شیخ فضل الله، رهبر گروه دیگر صوفیان، داستان جالبی دارد. وی که روحانی زاده ای از اهالی نجف و مهندس نفت است، تبلیغات خود را در کالیفرنیا آغاز کرد. مریدانی پیدا کرد و خود را صوفی معرفی نمود. پس از آنکه در حومه ی شهر آستین در تگزاس، زمینی زیبا و وسیع را خرید و مجموعه ای را به نام ((بیت دین))، شامل مسجد، مدرسه و حجره ساخت، تصمیم گرفت تقیه را کنار بگذارد. این ماجرا در اوج فعالیت وی و در دهه ی هفتاد روی داد و در آن زمان، حدود 150 نفر در مرکز وی فعالیت می کردند. شیخ فضل الله روزی به مؤذن مسجد دستور داد که پس از ((اشهد انّ محمداً رسول الله)) عبارت ((اشهد انّ علیاً ولی الله)) و ((اشهد انّ علیاً حجة الله)) را سر دهد. پس از نماز مغرب و عشا، شیخ در میان مریدانش، که حیرت زده به دور او جمع شده بودند، اعلام کرد که شیعه است و چون در حال تقیه بوده است، نمی- توانسته آن را ابراز کند. او ادامه داد که اینک آنان مرکز خودشان را دارند و کسی نمی تواند مزاحم آنان شود و بنابراین تقیه لازم نیست. پس از این ماجرا نیمی از هوادارانش او را به جرم رافضی بودن ترک کردند؛ ولی کسانی که باقی ماندند، شیعه شده و به فعالیت پرداختند؛ از جمله انتشارات ((الزهران)) را تأسیس کردند و مجله ای نیز با عنوان ((نورالدین)) چاپ کردند. فضل الله بعدها مورد آزار دولت آمریکا قرار گرفت و مجبور شد به انگلستان برود. هم اینک نیز در جنوب آفریقا به فعالیت مشغول است. پیروان او در آمریکا هنوز از فعالان

محسوب می شوند و به علت چاپ آثار با ارزشی، مانند ترجمه ی ((گلشن راز)) شبستری و برخی از آثار حیدر آملی مشهور هستند.

البته صوفی ها در آمریکا فرقه ها و شاخه های متعددی دارند و معمولاً هم کمتر اهل فعالیت سیاسی هستند.

آنان بیشتر می خواهند سیر و سلوک و مکاشفات معنوی داشته باشند و بیشتر آنان نیز از هنرمندان، شعرا و نویسندگان هستند؛ نه از تجار، کارخانه داران و مانند آن.

این گروه، فرهنگ حاکم بر آمریکا را دوست ندارند و **nonconformist** هستند؛ یعنی تابع فرهنگ عرف نیستند.

شیعیان سیاه پوست آمریکا بیش از هر گروه دیگری با سیاست آمریکا مخالفت می کنند، سیاست و فرهنگ آمریکا را ظالمانه می دانند و با هر وسیله ای، حتی با پوششی غیر متعارف به مقابله با آن می پردازند.

شیعیان آمریکایی آفریقایی تبار، به ویژه، به بعد عرفانی علاقه خاصی دارند. نکته ی درخور توجه درباره ی شیعیان آمریکا این است که گروه شیعیان مهاجر، بیشتر در جهت همگون شدن با فرهنگ آمریکا و آمریکایی حرکت می کنند، در حالی که گروه دوم، یعنی آمریکایی های شیعه شده همواره در مخالفت با آمریکا- در عرصه های سیاست و فرهنگ- هستند. این دوگانگی، گاه این دو گروه را در برابر یکدیگر قرار می دهد.

گروه های شیعی دیگری نیز در آمریکا فعال هستند؛ از جمله گروه خوجه ها در کنیز نیویورک که به علت فعالیت های انتشاراتی شان مشهور هستند.

آنان کتاب **Tahrike Tarsile Quran** را چاپ کرده اند. عضو بسیار فعال این گروه، عون علی خلفان است که ترجمه ی انگلیسی قرآن را از شاکر و ترجمه ی میراحمد علی را برای اولین بار در سال 1988 چاپ کرد.

غیر از مراکز اسلامی شیعیان، چندین سازمان شیعی دیگری نیز در آمریکا فعال هستند؛ از جمله در شهر مدینه، در ایالت نیویورک و نزدیک به کانادا، حوزه ی علمیه کوچکی تأسیس شده است.

سازمان دیگری به نام ((سازمان جوامع مسلمان اثنا عشری آمریکای شمالی)) در سال 1986 تأسیس شده است که برای ایجاد وحدت میان شیعیان آمریکایی شمالی تلاش می کند و اعضای آن، سازمان ها و مراکز شیعی هستند؛ نه افراد.

این مرکز، زمینه ی همکاری سازمان های تابعه در امور دینی، آموزشی، اجتماعی و اقتصادی را فراهم می کند.

سازمان بسیار مهم و مشهور دیگری در آمریکا وجود دارد به نام فدراسیون جهانی جوامع مسلمان شیعه ی خوجه که مدیریت آن را حاج حسین ولجی عهده دار است.

البته سازمانها و مراکز شیعی دیگری نیز وجود دارند که به فعالیت مشغول اند؛ ولی آنچه باید بدان توجه کنیم، این است که به نظر من، مسلمانان و به طور خاص، شیعیان در آمریکا سیری همچون سیر تاریخی یهودیان آمریکا دارند؛ بدین معنا که یهودیان در آمریکا به سه گروه مشخص ارتدکس، اصلاح شده و بینابین، که آنان خود به آن محافظه کار می گویند، تقسیم شده اند.

مسلمانان نیز به همین گونه، به سه گروه تقسیم شده اند: گروهی که بسیار مقید به آداب اسلامی هستند، می خواهند مسلمانی خوب باقی بمانند و از فرهنگ غالب آمریکا رنج می برند.

این گروه، شامل مهاجران و نیز آمریکایی های مسلمان شده می باشند. گروه دیگر، می خواهند همچون آمریکایی ها زندگی کنند و می کوشند خود را هر چه بیشتر با فرهنگ آنان سازگار کنند و ارزش های غالب آمریکا را ارزش واقعی می دانند.

تنها برخی از مهاجران و نیز برخی از آمریکایی های مسلمان شده، این طرز تلقی را دارند؛ زیرا اسلام، در عمل، راحت تر از فرهنگ غرب است.

گروه سوم، مسلمانی هستند که نه به شدت گروه اول و نه به بی خیالی گروه دوم هستند.

پس از یازدهم سپتامبر، گرایش ها شدیدتر هم شد. گروهی از شیعیان، در اثر فشارهای دولت

آمریکا، مایوس شده و از سازگاری با فرهنگ و سیاست آمریکا دست برداشته و حتی برخی حاضر به بازگشت به کشورهای خود شده اند.

برخی دیگر نیز تلاش کرده اند بیشتر دور هم جمع شوند. از نظر جامعه شناسی معلوم نیست چه وضعیتی پیش خواهد آمد.

برخی دیگر نیز با دولت آمریکا برای جنگ علیه تروریسم اعلام همکاری کرده اند و به ویژه، برخی از گروه های شیعه، این تروریسم را به سنی ها و بنیادگراها نسبت می دهند و قائل اند آنان که حاضر به سازش و مصالحه با آمریکا نیستند، همین بنیادگراهای تروریست هستند. مردم آمریکا نمی دانند تفاوت میان سنی و شیعی چیست. آنان حتی نمی دانند که سیک ها مسلمان نیستند و به همین علت، بسیاری از آنان را به خاطر عمامه شان مورد ضرب و شتم قرار داده اند و کار به جایی رسید که سیک ها مجبور شدند روی لباسشان علامت مخصوصی بگذارند و بگویند ما مسلمان نیستیم.

حاج حسن ولجی که پس از یازده سپتامبر، در اعلامیه ای که به همین منظور صادر کرد، تروریسم را محکوم، و در حمایت از جنگ بر ضد تروریسم، خود را همدل و هم صدای بوش معرفی کرد و با اشاره به سخن بوش که گفته بود: ((همه مسلمانان بد نیستند))، گفت که ما هم مانند هفت ملیون مسلمان دیگر، آمریکا را وطن خود می دانیم، ما پرکارترین و مبتکرترین افراد جامعه ی مسلمان، در میان دیگر جوامع اسلامی هستیم و باید به مسلمانان دیگر کمک کنیم تا ارزش های آمریکایی را درک کنند و این تنفر نا به جای ضد آمریکایی را کاهش دهند. حسن قزوینی نیز، که امام جماعت بزرگ ترین مسجد آمریکا در دیترویت است، پس از یازدهم سپتامبر، در رادیو، تلویزیون و کلیساها ضمن محکوم کردن این حادثه، زندگی مسلمانان در آمریکا را بسیار خوب توصیف کرد و گفت که مسلمانان باید وطن جدید خود را بسیار دوست داشته باشند.

به طور کلی، اینان می خواهند به آمریکایی ها بگویند که از ماتر سید، مانیز مردم خوبی هستیم و مانند شما کار می کنیم، فقط به جای کلیسا به مسجد می رویم، ما را اذیت نکنید.

پس از یازدهم سپتامبر، مردم مسلمان، بیشتر با غیر مسلمانان ارتباط پیدا کردند؛ ولی نه به این منظور که غیر مسلمان را مسلمان کنند، بلکه به این منظور که به آنان بگویند که بیایید با مراکز اسلامی و اعتقادات ما آشنا شوید.

تقریباً همه ی مساجد و مراکز اسلامی در آمریکا برنامه ای برای معرفی اعتقاداتشان به مسیحیان و پیروان دیگر مذاهب دارند.

درباره ی جمعیت مسلمانان و نیز درباره ی تعداد گروه های مذهبی در آمریکا اختلاف نظر بسیار وجود دارد.

گروهی اعلام کرده اند که مسلمانان در آمریکا اصلاً نمی توانند بیش از دو میلیون نفر باشند؛ در حالی که اگر شما فقط به کتاب تلفن مراجعه کنید، اسم مسلمانان بیش از دو میلیون نفر است. آنان این طور حساب کرده اند که اگر از مساجد و مراکز اسلامی پرسیم چند عضو رسمی دارند و تعداد این افراد را با هم جمع کنیم و بعد تعداد فرزندان آنان را نیز حساب کنیم، می توانیم بگوییم که تقریباً دو میلیون نفر مسلمان وجود دارد.

اما گروه های دیگر، تعداد مسلمانان را در آمریکا را در حدود هشت تا ده میلیون نفر تخمین زده اند.

البته در این زمینه که از آن میان، چند نفر شیعه هستند، هیچ آمار مشخصی در دست نیست.

محمد لگنهاوزن